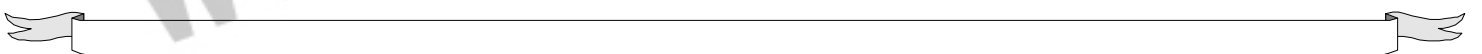


جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

موضوع:

سکه شناسی

یکی از شاخص های شناسایی میراث فرهنگی ملل مختلف



مقدمه

سکه شناسی بخشی از تاریخ هنر هر دوران پژوهشگران توانسته اند با استفاده از مجموعه عناصر موجود در سکه برخی از گوشه های تاریخ و مبهم و تاریخ و فرهنگ جهان را روشن نمایند. سکه هر دوره نمادی از مذهب، آداب و رسوم، خط و زبان، چگونگی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و هنری آن دوره بوده است.

به معنی دیگر می توان گفت که سکه شناسی به عنوان یکی از شاخص های شناسایی میراث فرهنگی ملل همواره از جایگاه ویژه ای در مطالعات تاریخ برخوردار بوده است. هریک از عوامل تشکیل دهنده سکه: نوع فلز: نقشها و نگارها، علائم روی سکه، محل ضرب، تاریخ ضرب، ابزار ضرب و ... به لحاظ علمی، در شناخت تاریخ، فرهنگ و هنر و نیز اقتصاد هر دوره تاریخی، نقش عمده ای دارد. (طالبی، ۱۳۷۳، ص ۹)

از دید تاریخ نویسی، سکه های کهن ارزش آن نوشته های سنگی را دارد که بدست آمده است. سکه ها سندهای دست نخورده تاریخ هستند که از زمان باستان بازمانده اند، اگرچه سکه چیز کوچکی است و هر کدام جز یک یا دو جمله را دربر ندارد، اما جبران این تفاوت را فراوانی آنها می کند. (کسروی، ۱۳۵۲، ص ۱۲۱ و ۱۳۰)

به علت آنکه سکه جزء اشیائی بوده که مردم در هنگام فررا می توانستند با خود همراه ببرند، و ویران شدنی نبود از حوادث مصون مانده است. امروز نمونه هایی از آنها

به دست ما رسیده که چگونگی تمدن و فرهنگ و مسائل سیاسی و جغرافیائی را با زبان بی زبانی بیان می کند. سکه یگانه سند و مرجع قابل اعتماد برای روشن نمودن گوشه های تاریک تاریخ و اثبات درستی و نادرستی اطلاعاتی است که از منابع دیگر تاریخ بدست آمده.

در قلمرو تاریخ هنر جدا از مسائل اقتصادی و علوم انسانی (تاریخ، مردم شناسی، باستان شناسی، اسطوره شناسی) مجموعه اطلاعات موجود بر سکه ها، همواره اطلاع سان و دستمایه ای برای پژوهشگران بوده است. نقوش هر سکه در هر دوره ای نمایشی از هنر زمان خود است با نگاهی بروی سکه های تاریخی یک ملت می توان تاریخ هنر و نوع هنر آن دوران را بطور فشرده رقم زد.

از آغاز پیدایش سکه، خط در کنار سایر نقوش استفاده شده است (از خط تصویری تا الفبائی) بنابراین یکی از عوامل شناسایی خطها از دوره باستان تا به امروز سکه های بدست آمده در هر زمان و حکومت است.

۱-۱- تاریخ سکه

قبل از پیدایش سکه مردم از راه معاوضه و مبادله اجناس به صورت پایاپای امور تجاری خود را انجام می دادند. لیدیها اولین مردمی بودند که سکه ضرب کردند. ایرانیها پس از فتوحات پی در پی در آسیای صغیر به وجود سکه و لزوم استفاده از آن پی بردند.

در زمان داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ ق.م) برای نخستین بار در ایران سکه های طلا و نقره ضرب شد. در زمان ساسانیان سکه با نقش پادشاهان و تاج و خط پهلوی و نقش آتشران ضرب گردید. (۲۴۴-۶۵۲ م).

با ظهور اسلام شخصتیها از روی سکه ها حذف شد و آیاتی از قرآن مجید، نام سلاطین، محل ضرب و سال ضرب منقوش گردید. باید یادآور شد که در طبرستان ضرب سکه ادامه شیوه سکه زنی دوره ساسانیان بود، بدین معنی که نقش اسپهبدان مانند دات برزمهر و فرخان و خورشید با خط پهلوی بروی سکه نقر می شد. ملکزاده بیانی:

سکه از قدیمترین ازمه تا دوره اشکانی ص ۱۵ شاهان و امرای صفاریان ، سامانیان ، آل زیار و غزنویان به همان طریق خلفا با آوردن نام خود و خلفا و آیاتی از قرآن مجید به خط کوفی به ضرب که پرداختند. از دوره حکومت ایخانان مغول در ایران، سکه هایی به دست آمده که به خط ایغوری است. از دوره تیموریان نیز سکه های طلا و نقره به نام امراء و سلاطین که القاب آنها و تاریخ و محل و ضرب و نام خلفای راشدین به خط کوفی و نسخ بروی آنها حک شده بدست آمده است.

امرای قره قویونلو (۷۸۰-۸۷۴ هـ ق) و امرای آق قویونلو (۷۸۰-۹۰۸ هـ ق) سکه های که ضرب نمودند نام امرا و سلاطین و تاریخ ضرب و نام خلفای راشدین بر روی آن نقش شده.

با حکومت شاه اسماعیل اول و تشکیل دولت صفوی یکی از ادوار درخشان تاریخ ایران آغاز می شود، شاهان صفی با برانداختن حکومت ملوک الطوائفی و متمرکز نمودن دیوانسالاری و تحکیم مبانی مذهبی کشور در کلیه شئون سیاسی و فرهنگی و هنری و اقتصادی و تجاری پیشرفت حاصل نمودند، وضع مالی، اساسی معین و ثابتی یافت.

۱-۲- تاریخچه و جغرافیای سیاسی سلسله صفویه

سلسله صفویان از سال ۹۰۵ تا ۱۱۳۸ هـ ق بطور مستمر و پس از آن مخصوصاً پس از تسلط کوتاه فاغنه تا ۱۱۴۸ هـ ث، سال جلوس نادرشاه به طور رسمی در ایران سلطنت کرده اند.

۱-۲-۱- نسب خاندان صفویه

صفویه به نام جد بزرگ خویش شیخ صفوی الدین اردبیلی (۶۵۰-۷۳۵ هـ ق) از مشایخ و عرفای بسیار مشهور ایران، مسوبند. از عاقاب مشهور وی شیخ صدرالدین صفوی، سلطان جنید و سلطان حیدر هستند. سلطان حیدر پدرشاه اسمعیل اول صفوی، مؤسس این سلسله بوده است درباره نسب این سلسله، مشهور آن است که نژاد و تبار آنها به امام موسی کاظم (ع) هفتمین امام شیعه اثنی عشری می رسد، اما محققین در صحت این نسب تردید دارند، زیرا در کتبی که قبل از عهد شاه طهماسب اول و در ایام

سلطنت شاه اسمعیل نوشته شده، اشاره ای به این مطلب وجود ندارد. (اقبال

آشتیانی، ص ۶۶۲)

۲-۲-۱- جغرافیای سیاسی

شاه اسماعیل اول پس از تاخت نشستن در تبریز شهرهای همدان، شیراز، کرمان و بغداد را متصرف شد. در سال ۹۴۱ هـ ق حاکم عثمانی سلطان سلیمان خان قانونی بغداد را جزء متصرفات خود کرد. در زمان شاه عباس اول مجدداً بغداد فتح شد و نواحی دیار بکر و ارزجان و شروان در محدوده جغرافیایی حکومت صفوی قرار گرفت. نواحی باوه در بند، گنجه، قراباغ، چخورسعد (ایروان) و قسمتی از گرجستان از متصرفات این دولت بود.

از سال ۹۱۳ تا ۹۳۹ هـ ث بدلیس و در سال ۹۵۵ هـ ق وان جزء قلمرو ایران شد.

بحرین نیز جزء متصرفات ایران بود و حتی بصره نیز گاهی تابع دولت صفویان قرا گرفت. خراسان در سال ۹۱۶ هـ ق توسط شاه اسماعیل اول فتح شد و در این زمان رود جیحون مرز میان ایران و ازبکان تعیین گردید.

و هرات و قندهار نیز در دست دولت صفوی بود. در اواسط سلطنت شاه اسماعیل اول، کشور ایران چنان بسط و توسعه ای یافت که هرگز در ادوار بعد بعدان پایه نرسید، شاه طهماسب اول و شاه اسماعیل دوم توانستند حدود و ثغور کشور را تقریباً به همان

حدودی که در زمان شاه اسماعیل اول بود حفظ کنند. بر اثر پریشانی اوضاع کشور و حملات عثمانیها و ازبکها در اواخر سلطنت سلطان محمد و اوایل سلطنت شاه عباس اول فقط قسمت اصلی این کشور بر جای مانده بود شاه عباس قلمرو سلطنتی را به همان وسعت اجداد خود رساند و عراق عرب را نیز تحت فرمان خود درآورد.

ایران در زمان سلطنت شاه سلطان حسین و اواخر دوران صفویه از آمویه و قندهار تا سلیمانیه ایران در زمان سلطنت شاه سلطان حسین و اواخر دوران صفویه از آمویه و قندهار تا سلیمانیه کردستان و از حدود داغستان و گرجستان تا کنار دریای عمان و جزایر بحرین گسترده بود. (بیانی، ۱۳۴۵۳، ص ۹۷)

۳-۲-۱- مذهب صفویان

سلسله صفویان زمانی تاسیس شد که دولت عثمانی در اوج قدرت و توسعه و دولت ازبکان در شرق ایران در حال تجاوز به ناحیه خراسان بودند. صفویان بار سمیت بخشیدن به مذهب شیعه خطر تجزیه ایران را از بین بردند و استقلال و وحدت کشور را احیاء کردند.

اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور در اذهان مردم دو اثر مهم داشت، از یکسو ایرانیان را با متحد ساخت و از سوی دیگر جدائی آنها را از کشورهای همسایه که سنی مذهب بودند امکان پذیر نمود.

آغاز مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور و تمایل صفویان را باید در زمانی جستجو کرد که شیخ صفی الدین اردبیلی به شیخ زاهد گیلانی پیوست و زمینه عقیدتی را پایه گذاری نمود. شیخ زاهد، معلم شیخ صفی احترام خاصی نسبت به او ابراز می نمود. شاه اسماعیل خود از سوی پدر سید و در اولاد علی (ع) می دانست و بدین نسب فخر م کرد و از سوی مادر نیز نواده حسن بیگ ترکمان آق قویونلو بود و خود را جانشین بحق و وارث قانونی آن خاندان برمی شمرد. شاه اسماعیل با برخورداری از عقاید مذهبی و اعتبار چندی پشتوانه توانست، نیروی قزلباش را در پشت سر خود نگهدارد و حکومت صفویه را تأسیس نماید. (میراحمدی، ۱۳۶۹، ص ۲۸)

۴-۲-۱- اوضاع اقتصادی عصر صفویان

دردوره صفویه، باتوجه به امنیت نسبی که بعد از آشفتگی اواخر عهد آق قویونلو و حکام محلی ماطق مختلف، بوجود آمد، در اقتصاد ایران چه از لحاظ کشاورزی و چه زندگی شهری پیشرفت مشخصی مشهود است، تولیدات کالایی به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافت و روابط کالا - پولی و بازرگانی و بخصوص بازرگانی خرجی توسعه پیدا کرد و بازار داخلی بسط یافت.

در این دوره پول نقش واسطه را ایاف می کند یعنی تولید کنندگان محصول کار خود را بیشتر با پول تعویض می کردند. تبریز در این دوران مرکز و ملتقای راههای ترانزیستی

اروپا و آسیا و محل تحویل و انتقال کالاها و مرکز صنایع ابریشم بافی و پشم بافی و
ریسمان بافی و تیماج سازی و اسلحه سازی و غیره بود و پس از انتقال پایتخت به
؟؟؟؟؟ تبریز همچنان موقعیت اقتصادی خود را حفظ کرد. (مینورسکی، ۱۳۶۸، صص
۱۹ و ۲۰)

در زمان شاه عباس اول روابط تجاری گسترش بیشتری یافت و با انتقال پایتخت به
اصفهان این شهر رونق اقتصادی یافت و محل استقرار بسیاری از نمایندگان و فرستادگان
شرکتهای بازرگانی مانند، پرتغال، شرکتهای هند شرق هلند، انگلیس و فرانسه گردید.

در کنار این مرکز در بنادر خلیج فارس نیز بازرگانی انجام می شد. یکی از کالاها
بازرگانی که پیش از شاه عباس و در زمان دمی به اروپا فرستاده می شد ابریشم بود البته
بازرگانان روسی هم در شماخی و شروان به تجارت ابریشم مشغول بودند و گاهی
کالاهای روسی مانند پارچه به ایران می آوردند.

کار برجسته شاه عباس کوچاندن ارمنیان جلفای ارس به اصفهان می باشد که هدفش
رونق بخشیدن نواحی اصفهان بود و به این ترتیب جاده ابریشم را از اصفهان و
بندرعباس گذراند وی برای ارمنیان در خارج اصفهان، جلفای نورا ساخت و آنان را از
هم مالیاتها معاف کرد.

در زمان صفویان بخصوص در زمان شاه عباس اول در جهت توسعه تجاریو ملکتی راهها و کاروانسراهایی ساخته شد که هنوز به راهها و کاروانسراهای شاه عباسی معروف است. (اقبال آشتیانی، ص ۶۸۶)

سکه شناسی دوره صفویان

موقعیت تاریخی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی صفویان به طور اختصار تا این مبحث مورد بررسی قرار گرفت. در سکه شناسی دوره صفویان، نمی توان از مسائل ذکر شده یاد نکرد، چراکه چگونگی ضرب سکه در این دوران ارتباط مستقیم با حوادث و مسایل یاد شده داشته است.

رسیدن به مرزهای سیاسی کشور، استفاده از تشیع به عنوان یک تفکر پیشرو و عامل مهم اتحاد اقوام ایرانی و در پس آن برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی ایجاد راه ها، راهدارخانه ها، امنیت حمل و نقل کالا، کاروانسراها و ... و ایجاد رابطه اقتصادی با کشورهای بزرگ اروپایی و بالطبع آشنایی با اصول اقتصاد اروپایی، همه و همه در بالندگی اقتصاد داخلی تأثیر فراوانی داشت.

سکه به عنوان وسیله ای برای مبادله اقتصادی، در دوره صفویان، بازتابی از مسائل یاد شده بود، بی سبب نیست که سکه خانه های (ضرابخانه) دوره صفویان و عناصر موجود در سکه های این دوره، در تاریخ سکه زنی ایران، جایگاه ویژه ای دارد. بدون شک در

برخی از مقاطع تاریخی، ضرب سکه صفویان، در تاریخ بعد از اسلام، دورانی نو زا و پرتانی بوده است. به جرأت می توان گفت برخی از سکه های دوره صفویان به لحاظ پشتوانه ای که در بخشهای گذشته برشمرده شد. آمیزه ای از هنر، و فن سکه زنی در کشورمان بوده است.

۱-۲- فن سکه زنی در ضربخانه

مراحلی که جهت ضرب سکه لازم است تا یک فلز به مسکوک تبدیل شود را فن سکه زنی می گویند. در دوره صفویه مکانی به نام ضربخانه با تشکیلات اداری منظم و افرادی که هر یک دارای تخصصی هستند و دستگاههایی که در مراحل ضرب به یاری استادان می آیند و موادی که در ضرب بکار می رود و تغییراتی که بروی آنها انجام می شود همه شامل فن سکه زنی می باشد.

مواد اولیه سکه، فز است، فلزکاری در ایران سابقه ای دیرینه دارد. هنر فلز کاری دوره صفویه ادامه پیشرفته دوران سلجوقیان و تیموریان بود، از این روفلزکاری این دوران بسیار هنرمندانه تر نسبت به گذشته صورت می گرفت. یکی از نمونه های برتر هنر فلزکاری دوره صفویه را می توان در ساخت سکه های این دوران دید.

سکه در محلی به نام ضربخانه (سکه خانه) ضرب می شد. هر شهر بزرگی دارای ضربخانه ای ویژه بود و در انجا، طلا، نقره و مس به سکه تبدیل می شد.

ضرابخانه برای شاهان دارای ارزش بسیاری بود زیرا قدرت اقتصادی حکومت در این مکان متمرکز می شد. به همین دلیل از موقعیت مستحکم تر و سازمان یافته تری نسبت به دیگر ارگانها برخوردار بود.

سلسله مراتب مشاغل دیوانی ضرابخانه عبارت بود از معیرالمالک (مسئول و سرپرست ضرابخانه، ضارب باشی مسئول صحت مسکوکات، صراف باشی مسئول تحویل مسکوکات به خزانه و استادان دستگاههای ضرب سکه، سکه کنان، حکاکان، صرافان، زرکشان، سباکان، قرص کوبان، آهنگران و چرخ کشان بودند که همگی زیر نظر معیرالممالک هریک مسئولیتی در ضرابخانه داشتند. (فلسفی، ۱۳۵۳، ص ۴۱۵)

۳-۲- مواد اولیه سکه

سکه ها از جنس طلا، نقره و مس بود اما بیشتر سکه ها از جنس نقره و مس بود سکه طلا معمولاً به مناسبت به سلطنت رسیدن و یا فتح و پیروزی پادشاه و یا عید نوروز به ضرب می رسید شاردن در این مورد می نویسد:

«ایرانیان هیچ گونه مسکوک زرین ندارند زیرا قطعات طلائی که به نشان شاهنشانه زده می شود معمولاً هنگام جلوس به تخت سلطنت و در جشن نوروز مسکوک می گردد. بوزن دوکات آلمان است و بمانند مهره های فلزی (ژتون) فرانسه است و در میان مردم به هیچوجه رواجی ندارد. بعلاوه این سکه ها را نام ویژه ای نیست. ایرانیان معمولاً آنها

را طلا گویند که به معنی مسکوک زرین می باشد و اشرفی نیز گویند.» (شاردن، ۱۳۵۰،

ص ۳۸۳)

نقره موردنیاز جهت ضرب سکه مقداری از خارج کشور تهیه می شد، بازرگانان ارمنی ابریشم و امتعه دیگر از ایران به اروپا می بردند و در مقابل آن مقدرای اجناس فرنگی و نقره وارد می کردند که به مصرف ضرب سکه می رسید از زمان شاه عباس دوم ارامنه بیشتر سکه های طلا فرنگی با خود می آوردند که این امر باعث کاهش مسکوکات نقره شد و ارامنه از فروختن این سکه های طلا خودداری می کردند. (قائینی، ۱۳۷۱، صص

۳۵-۴۸)

۲-۳- معادن

ماده اولیه سکه طلا، نقره و مفرغ (مس) بوده است. این مواد را باید در معادن جست. وجود منابع طبیعی و نیز متخصصانی که بتوانند این مواد را استخراج کنند و دستگاههایی که آنها را به مواد اولیه جهت ضرب سکه آماده سازند، خود صنعتی بزرگ در همه ادوار بوده است. در دوره صفویه معادن فلزات و جواهرات و صید مروارید کلاً متعلق به شاه بود و یک ثلث عایدات مخصوص معدن کرای و صید و مواجب مأمورین بوده است. راجع به وجود معادن در ایران اسنادی وجود دارد که خبر از وجود سنگهای نقره دار در منطقه شیز نزدیک تخت سلیمان و تکاب، کوه طبرک نزدیک شهر ری، مازندران، کوه

فارس بین نایین و جوانشیر، کوههای بارز نزدیک جیرفت، کوه سیم در راه سرخس به هرات، کرون در شاه کوه اصفهان، می دهد. (توحیدی، ۱۳۶۴، ص ۵۶ و ۵۷)

۴-۲- نام سکه های صفویان

سکه های صفویان ا جنس طلا، نقره و مس بوده است. باتوجه به تنوع جنسی به شرح هریک و تقسیمات آنها می پردازیم.

۱-۴-۲- سکه های طلا

سکه طلا در داد و ستد رواج نداشت، و تنها به مناسبت فتح و پیروزی و یا عید نوروز و یا به سلطنت رسیدن شاه ضرب می شده است.

پول طلا را اشرفی می نامیدند، و وزن آن معمولاً ۳ مثقال بوده. سکه های زلا که از وینز می آمد را دوکای ونیزی می نامیدند و اصطلاح دوتی اشاره به این مسکوک دارد و از اصطلاح اشرفی کهنه دوتی معلوم می شود که رواج مسکوک طلات معمول بوده، شاردن ضرب مسکوک طلا را در موارد خاص و آن را مانند مدال می داند. (شاردن،

۱۳۵۰، ص ۳۸۳)

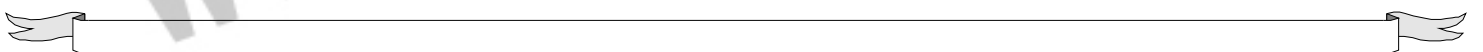
سکه های اشرفی به نام ربع اشرفی، نیم اشرفی و یک اشرفی بود. در زمان شاه عباس اول سکه عباسی طلا به ضرب رسید، و در زمان شاه صفی دوم سکه ده اشرفی طلا به ضرب رسیده است.

۲-۴-۲- سکه های نقره

سکه ای که در داد و ستد رواج داشت، نقره بود. در آغاز دوران صفویه باتوجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی سکه ها دارای تنوع و ارزش کمتری بودند، چنانکه در زمان شاه اسماعیل اول سکه نیم شاهی، یک شاهی و دو شاهی رواج داشت، از زمان شاه طهماسب اول سکه بیستی رایج می شود و در زمان سلطان محمد خدابنده سکه جدیدی به نام محمدی که ارزش دوشاهی داشت ضرب شد و همچنین سکه سه شاهی به ضرب رسید.

در عهد شاه عباس اول سکه عباسی که برابر با چهار شاهی ارزش داشت و تا زمان فتحعلی شاه قاجار به ضرب رسید رواج یافت.^۱ در دوران شاه صفی اول سکه ۵ شاهی و در عهد شاه عباس دوم تنوع سکه ها بیشتر می شود و به ضرب سکه ده شاهی و پنج عباسی نیز اقدام می گردد.

در زمان شاه فی دوم (سلیمان) سکه ۲/۵ عباسی به ضرب می رسد. در عهد شاه سلطان حسین اوج تنوع سکه و زیبایی آن در تزئین و خط است سکه ها در این دوران عبارت است از: نیم شاهی، یک شاهی، محمدی، عباسی، ۲ عباسی، ۲/۵ عباسی، ۴



عباسی، ۵ غعباسی، س یشاهی، ۱۵ شاهی، بیستی و تا آخر دوران صفویان سکه جیدی
به ضرب نرسید. (فرح بخش، ۱۳۵۴، صص ۵۶-۹)

۳-۴-۲- سکه‌های مسی (فلوس)

«فلس نام سکه ای است، از جنس مس «از یونانی بیزانسی (روم السفلی) فولیس
PHOLIS گرفته شده و خود کلمه در اصل لاتینی است و در لاتین به شکل فولیس
Follis می باشد. بعضی عقیده دارند وجه تسمیه آن شباهی بوده که این سکه به
پولک‌های ماهی داشته است. بنابه نوشته قاموس کتاب مقدس، فلس سکه نازکی بوده که
رومیان از مس ساخته اند. (دیانت، ۱۳۶۷، صص ۲۱۲ و ۲۱۳)

سکه های مسی که به فلوس معروف است از زمان صفویان تا زمان ناصرالدین شاه
یاجار در جریان بوده این سکه ها محلی و معمولاً در خارج از محل ضرب کمتر ارزش
داشته است. سکه های فلوس هر سال و به دستور حاکم و یا عمال دولتی جمع می شده
و مجدداً در سال بعد با ضرب جدید جریان داشته بطوریکه هیچ پول مسی در سال بعد
ارزش نداشت.

۴-۲- سکه های لاری - لارین - لارن

در دوره صفویان به جز سکه های رایج سکه دیگری از جنس نقره به نام لاری در نواحی فارس و خلیج فارس، با فرم متفاوتی در جریان بوده، به شکل یک مفتول که از وسط خم شده یک طرف آن را مسطح نموده اند تا روی آن نوشته شود.

آقای ابوالقاسم طاهری می نویسد «هربرت ضمن سفر از جنوب به اصفهان هنگامی که در لار اندک توقف کرده بود، اشاره به سکه ای می کند از نقره خالص به شکل یک هسته خرما که نام شاه عباس و به قول خودش «جمله ای که از قرآن بروی آن نقش شده بود» و قیمت آن به پول انگلیسی در حدود پنج پنس می شد.» (۱۳۵۴، ص ۳۳۳)

شاردن نیز سکه های لاری چنین بیان می کند. «در سرتاسر خلیج فارس پولی رواج دارد که لارین خوانده می شود و بیشتر در تجارت جریان دارد. لارین به معنای مسکوک لار است که شهر مرکزی بیابان کرمان می باشد و پیش از شاه عباس کبیر مملکت خصوصی به شمار می رفته ولی در حدود صد و بیست سال پیش شاهنشاه ایران این سامان را فتح و ضمیمه شاهنشاهی خویش ساخت لارین سکه نقره ناب و معادل دو شاهی و نیم می باشد که برابر یازده سو و سه دانه پول فرانسه است شکل این پول کاملاً غیرعادی می باشد، زیرا عبارت از رشته گردی همانند قلم تحریر است که طولاً به پهنای انگشت شست دولا شده و دارای علامت کوچکی می باشد که نشان پادشاه است پس از تسخیر این سرزمین، ضرب این سکه متروک گشت لذا دیگر به هیچ وجه مشاهده نمی

گردد ولی در تمام آن سامان در هندوستان در طول سواحل خلیج کامبی (Cambye) (بند ری در خلیج دریای عمان) و در مناطق مجاور بازم حساب با آن به عمل می آید. حکایت می کنند در گذشته «لارین» در سرتاسر مشرق زمین رواج داشته است. (۱۳۵۰، ص ۳۸۴)

سکه های لاری ضرب شیراز، کاشان، اصفهان دیده شده است. سکه های کوچک بنام لارین هنوز هم در جزیره مالدیو Maldivie در اقیانوس هند رواج دارد. (فرح بخش، ۱۳۵۹، ص ۶)

خط و نقش در سکه های صفوی

هنرمند مسلمان به واسطه اسلام یعنی تسلیم شدن در برابر شریعت الهی همواره متذکر این واقعیت است که خود، آفریدگار و یا منشاء زیبایی نیست، بلکه اثر هنری به میزانی که تابع و مطیع نظم جهانی باشد از زیبایی بهره جسته، زیبایی کلی را جلوه گر می سازد. هنر اسلامی در پرتو این آگاهی از صفا و متانت خاص و کیفیتی غیر شخصی برخوردار می شود.

برای هنرمند مسلمان زمانی که هنر همچون سنن حاکم بر افلاک عاری از ویژگیهای فردی شود، انسان را به آفریدگار خویشتن متذکر می گردد. هنر قدسی اسلام در هنرهای تجسمی در قالب معماری مساجد و خوشنویسی بیش از هر چیز نمود یافته است تشیع

در میان صفویان دارای آنچنان ارزش و مقامی بود، که توانست علاوه بر متحد ساختن اقوام ایرانی، در هنر نیز ریشه یابد، و هنر ایرانی را در این دوران به هنر قدسی و دینی تبدیل کند همانطور که مراسم و آئین های دینی در این دوران رواج یافت، هنر دینی نیز در این دوران به رواج رسید. و به یقین می توان گفت که در تاریخ بعد از اسلام هنر اسلامی در دوره صفویان به اوج خود رسید، و حتی کلام الهی و نقوش اسلیمی را هنرمند با هنر قدسی خویش بر روی سکه متجلی ساخت.

۱-۳- خط و زبان روی سکه

خط و به عبارتی دیگر مادر فرهنگ و تمدن بشر، هنر ثبت ذهنیات و دانسته های بشر است. هزاران سال است که خط به گونه ای با فرهنگ بشر در آمیخته که اندیشه جدایشان حتی ناممکن می نماید.

هنر پربار خوشنویسی در ایران را به تلاش خوشنویسان گمنامی مدیونیم که طی قرون با عشق به هنر، سرانگشت توانای آنان را نیرو بخشید تا سیاهی مو را به سپیدی کاغذ پیامیزند، و با قلمی نئین گلزاری دلنشین پردازند. در اواسط قرن هشتم سه خط تعلیق و نستعلیق و شکسته نستعلیق به تناوب در مدت سه قرن وضع شدند. خط تعلیق در آغاز تحریر به کتابت و نامه نگاری را بکار آمد، در نیمه دوم سده هشتم دومین قلم و

زیباترین خط ایرانی یعنی نستعلیق که از ترکیب نسخ و تعلیق بوجود آمد آغاز شد و

میرعلی تبریزی نخستین کسی بود که این خط را وضع کرد. (احمد قمی، ۵۷-۱۷)

پس از او استادان بزرگی چون سلطانعلی مشهدی، میرعلی هروی، محمد حسین

تبریزی، علیرضا تبریزی (عباسی) هر یک آثاری از خود به جا گذاشته اند. و در اواخر

دوره صفویه سومین خط یعنی شکسته نستعلیق جلوه گر شد. خطی که بر روی سکه های

صفویان بکار رفته متنوع بوده است. بر روی سکه های اولیه این سلسله مانند سکه شاه

اسمعیل اول و سکه شاه طهماسب اول خط نسخ دیده شده است. سکه شاهان بعدی به

خط نستعلیق می باشد. در روی بعضی از سکه ها به علت زیبا نشان دادن و یا کمی جا

برای تحریر متن، کلماتی به شکل شکسته نوشته شده اند و مخصوصاً حرف «ی» که با

کشیدن آن در حقیقت نویسنده فاصله ای بین سطور روی سکه ایجاد کرده تا از تداخل

کلمات جلوگیری نماید.

هنوز در این زمان متن بشکل شکسته کامل نوشته نمی شود. بر روی سکه نشانه ای از

نام خطاطان که بر روی سر سکه کار کرده اند دیده نمی شود. هوشنگ فرح بخش در

کتاب سکه های ضربایران می نویسد که «بر روی سکه علاماتی از نام حکاکین و یا

نقاشان در روی سکه دیده می شود» (فرح بخش، ۱۳۵۴، ص ۳) اما ذکری از اینکه این

علامات چه هستند و به چه صورتی آمده نمی کند.

آنچه مسلم است یکی از جلوه های زیبایی سکه های صفویان خط خوش هنرمندان می باشد که اشعار زیبا و نام و القاب شاهان و آیات قرآن مجید و محل ضربخانه و سال ضرب را با هنرمندی نقش نموده اند.

در مورد زبان شاردن در سفرنامه خود می نویسد «در میان ایرانیان سه زبان متداول است. ایرانی به معنی اخص (فارسی) که زبان طبیعی امپراطوری می باشد، ترکی و تازی، لسان دیگری در این کشور وجود ندارد. فارسی زبان شعر و ادبیات مردم است. ترکی زبان سپاهیان و دربار می باشد. در دربار سلطنتی بویژه در سرای بزرگان، بانوان و مردان بالسویه فقط بدین زبان تکلم می کنند». (شاردن، ۱۳۵۰، ص ۵۳)

زبان انشاء و نویسندگی و شعر و ادب از آغاز چه در آذربایجان و چه در سایر شهرها فارسی بوده است، نامه ها و فرمانها و مکاتبات دولتی و قراردادهای رسمی همه به فارسی نوشته می شد، زیرا وزیران و نویسندگان و منشیان و شاعران دربار صفوی همگی ایرانی و پارسی زبان بودند، بدین جهت اشعار و شعارها، القاب و عناوین روی سکه همه به زبان فارسی که زبان دیوانی ایندوران بود نوشته شده است. البته سکه های اولیه که به خط نسخ نوشته می شد به عربی بوده است و منظور بیشتر از زبان روی سکه القاب روی سکه می باشد. و آیات قرآن مجید و شعار شیعه همگی به شکل اولیه خود نوشته می شد.

۲-۳- توقيع

توقيع در لغت به معنی نشان گذاشتن برچيزی، امضاء کردن نامه و فرمان و نوشتن چيزی در ذيل نامه، کتاب، فرمان و دستخط است.

نقش توقيع گاهی در میان متن و یا در میان کلمات و یا ادامه بعضی از حروف بکار رفته است. نقش توقيع در سکه های شاهان عثمانی هم دوره شاهان صفوی در آن کشور نیز دیده شده است و بعضی از آنان نام خودشان را بشکل طغرا یا توقيع نوشته‌اند. و اولین بار بر روی سکه های مراد اول دیده شده است. (قائم مقامی، ۱۳۴۹، ص ۱۵۰)

۳-۳- نقوش روی سکه

شاهان صفوی به نقاشی توجه و علاقه خاص داشتند، چنانکه شاه اسمعیل اول نقاشان زیر دست را تشویق می کرد، شاه طهماسب نیز بدین هنر علاقه داشت و خود در جوانی به این کار همت گماشت و نزد استادان بزرگی چون بهزاد و سلطان محمد و آقا میرک نقاش اصفهانی بآموختن نقاشی پرداخت. اقامت همایون پادشاه هند در ایران و پس از یکسال مراجعت به هند و بردن عده ای از هنرمندان ایرانی به آن دیار باعث نفوذ هنر ایرانی در هند گردید. (نوائی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۳)

در ایندوران تذهیب و نقاشی کتاب در حد اعلای کمال است. تذهیب که در آغاز به عنوان مکمل خوشنویسی به شمار می رفت به تدریج به چنان مقام والایی رسید که به

مثابه هنری ارزنده و امری صواب در اسلام تلقی شد. چنانکه سابقه این هنر را در دوره تیموریان می توان مشاهده کرد که از طبقه شاهزادگان نیز به آموختن این هنر روی می آوردند مانند بایسنغر میرزا که تذهیب کار ماهری بود.

در دوره صفویه هنرمندان بسیاری از جمله کمال الدین بهزاد در اعتلای این هنر کوشیدند، فن تذهیب شیوه خاصی پیدا کرد که تا عصر حاضر ادامه دارد. در این دوران نقشهای اسلیمی و تزئینات تنوع بیشتری پیدا کرد و اسلیمی دهان اثری به حد کمال خود رسید و نیز گلهای شاه عباسی و اسلیمی ماری به اشکال و حالات مختلفی در تذهیب جلوه گر شد. آثار معماری با گچ بری و کاشیکاری و نقوش قالبها و قلمزنی روی فلز همه به نحوی از نقوش طرحهای تذهیب بهره گرفته اند. ادامه این هنر در سکه های دوران صفویه مشاهده می شود.

هنرمند حکاک سکه عشق به تذهیب را بر نقش زمینه سکه پیاده کرده است. و اشکال نباتی زمینه ای برای نمایش خطوط زیبای سکه بوده است، اگرچه تزئین سکه در دوره مغول و جلایریان و آق قویونلو وجود دارد، اما آنها با خطوط هندسی و نقطه‌هائی بصورت زنجیره، این تنوع را ایجاد کرده اند. در دوره صفویه سکه‌ها از زمان شاه عباس اول دارای نقش گلهای تزئینی می گردد و در ادامه، دوران جانشینان وی به نحو بسیار زیبایی جلوه گر می شود و در اواخر دوره صفویه به اوج خود می رسد بطوری که در سکه های شاه سلطان حسین و شاه طهماسب دوم و شاه عباس سوم، هنرمند زمینه

بسیار زیبایی فراهم آورده و در لابلای شعائر مذهبی و القاب و عناوین شاهان آنرا جای می دهد.

۳-۳- قاب بندی روی سکه

هنرمند حکاک روی سکه در آغاز ایندوران تزئین روی سکه را با نام ائمه (ع) شروع می نماید. با نقش چهار علی از حرف «ع» آن یک گل چهار پر را نقش می نماید. مربعی در وسط سکه و یک لوزی در خارج آن نقش نموده و متنی را که باید بنویسد در آن تقسیم می کند (تصویر ۵-۷ طرح شماره ۴) گاهی ادامه خطوط مربع وسط را به حرف «ع» نام حضرت علی (ع) ختم می کند. در روی بعضی از سکه ها نقش یک ترنج در وسط قرار می گیرد که نام پادشاه و القاب او، و یا سال و محل ضرب سکه در آن جای می گیرد و هنرمند نقش ترنج را به اشکال گوناگون تزئین کرده است. نقطه کلمات را طوری نوشته و در کنار هم قرار داده تا بشکل یک گل تزئینی دیده شود هنرمند اشکال نباتی و گلهای تزئینی را از دوران شاه عباس شروع می کند و به تدریج به تکامل می رسد چنانکه در سکه های شاه سلطان حسین و شاه عباس سوم، القاب و عناوین و شعائر مذهبی در میان این تزئینات قرار می گیرد و خط زیبای نستعلیق و تزئینات روی سکه تابلو زیبایی را می آفریند که هنر قدسی و سنتی در کنار یکدیگر قرار می گیرد و چهره تازه ای در حکاکی روی سکه مشاهده می شود. ادامه آنرا در سکه سلسله های

بعدی و تاثیر آن در سکه های کشورهای همسایه ایران مانند دولت عثمانی مشاهده می شود.

۴-۳- نقوش سکه های مسی

نقوش سکه های مسی از جهت هنری و فولکور قابل بررسی می باشد. این نقوش در دوره صفویه ابداع نشده است، بلکه همانند سایر هنرهای ایرانی دارای ریشه و تطور تاریخی است. منشاء آنها را در نقوش روی مهرهای پیش از تاریخ مشاهده می کنیم مانند، ماهی، پرنده، گاو، خورشید، گیاه، که ادامه آن، در آثار هخامنشی و ساسانی است. در دوره سلامی تزئینات تصویری ممنوع می شود، لیکن ما نشانه‌هایی از نقش را بر روی سکه های اسپهبدان طبرستان و سپس در قرن سوم و چهارم هجری بر روی سفال و آثار مفرغی و معماری و پارچه بافی می بینیم، هر یک از نقوش اساطیری به منظور تفهیم مطلبی و بیان اعتقادی از باورهای مردم به تصویر در آمده اند و در دوران صفویه شاهد تطور این مفاهیم در قالبی نوین می باشیم.

بر روی سکه های مسی بدست آمده از صفویان اشکال گوناگون مانند گاو، اسب، طاووس، انسان، شمشیر، شیر، شیر و خورشید، خورشید، فیل، شتر، ماهی، آهو، پرنده، موش، خرچنگ، خرگوش دیده شده است.

نقوش روی سکه های مسی از اعتقاد به بروج دوازده گانه منشاء گرفته است. زیرا با توجه به ارتباطی که بین نام بروج دوازده گانه و نقش روی سکه های مسی دیده می شود و اینکه هر ساله این سکه ها جمع آوری می گردید و در سال بعد مجدداً با نقش جدیدی به ضرب می رسید، هم چنین توجه فراوانی که به نجوم داشتند و شخصی به نام «منجم باشی»، که مقرب الخاقان دربار بود و، وظیفه داشت تا نیک و بد ساعات را جهت انجام امور تشخیص دهد و هر سال تقویم جدید را بنویسید. (رحیم لو، ۱۳۷۱، ص ۴۴)

بنابراین در آغاز نقوش روی سکه های مسی اعتقادات و باورهای مردم است که به تصویر در می آیند، اما به تدریج در اواخر دوران صفویان بیشتر به جنبه تزئینی آنها توجه می شود.

۱-۴-۳- نقش خورشید

نقش خورشید و یا چرخ خورشید بر روی مهره های مکشوفه از تپه گیان، تپه حصار، شوش، تپه یحیی و شهداد دیده شده است، از زیگورات چغار زنبیل مهري با تصویر خدای خورشید که مانند سایر خدایان با کلاه شاخدار و نیم تنه برهنه و دامن بلند با تزئینات پیچ در پیچ که به دو دست مظهر خود را که نیز یا دیرک بلندی مزین به هفت کره است به دست دارد در مقابل او پرستش کننده با تقدیم ظرفی که به دست دارد زانو

زده و در بالای صحنه، خورشید درخشان متشکل از دایره های تو در تو که برگرد آن انواری ساطع است یافت شده است.

خورشید نام یکی از ایزدان مزدیسناست که در بخشهای اوستا از آن سخن رفته و فرشته و فروغ و روشنایی مهر و با صفت «تیزاست» معرفی شده است. در تقویم کهن ایرانی، روز یازدهم هر ماه خیر یا خور (=خورشید) روز و به نام او مرسوم است. دی که اسم ماه دهم هر سال است به «خورماه» نیز نامیده شده است.

خورشید به واسطه نور و عظمت و فایده، همیشه نزد اقوام هند و اروپایی و سامی مورد تعظیم و تکریم و حتی در مصر قدیم خداوند خورشید، مورد پرستش بوده است. یک جا کالبد اهورا مزدا همانند خورشید تصور گردیده و جای دیگر خورشید چشم اهورامزدا دانسته شده است.

در تاریخ کهن ایران نیز خورشید از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در اعیاد گردونه خورشید را می گرداندند. کوروش لشکریان خود را به عادت قدیم پس از برآمدن خورشید حرکت می داد. خورشید علامت اقتدار سلطنت و بقای ایران زمین بوده و به عنوان مظهر مملکت بالای چادرشاه و حتی بر روی درفش پادشاهان قرار داشته است. نقش خورشید تا انقراض سلسله ساسانی روی سکه و مهر و گچ بری ها دیده می شود.

تطهیر و ازاله پلیدیها یکی از عمده ترین وظایف به حساب می آید، در فقه اسلامی هم می بینیم خورشید در زمره مطهرات و عنوان نودویکمین سوره قرآن (الشمس) است که در صدر همین سوره بدان سوگند نیز یاد شده است. (یا حقی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۵)

۲-۴-۳- نقش شیر و خورشید

با ظهور اسلام بر روی سکه های خلفا تنها آیه های قرآن و نام خلیفه و محل و سال ضرب نوشته شده، از اواخر قرن ششم هجری بود که بسیاری از پادشاهان اسلام به پیروی از فرمانروایان مسیحی که در آسیای کوچک و در فلسطین می بودند پیکره نگاشتن به روی سکه های مسین و برنجین را آغاز کردند، پاره ای اوقات نقش خورشید به تنهایی دیده می شود و گاهی نقش خورشید به همراه شیر می باشد. شیر و اسب مظهر قدرت و نیرو، و هر دو مظهر و نماینده خورشید بودند، در آثار باستانی نقش گاو را که بر شیر فائق آمده است می بینیم، در قدیم ماه معرف زمستان با روزهای سرد و کوتاه و خورشید نشان تابستان با روزهای گرم و بلند بوده است. در آیین میترا گاو که مظهر ماه و زمستان است به دست مهر، مظهر خورشید و تابستان کشته می شود و در نتیجه نباتات متعدد می رویند. از یک طرف شیر با گاو در فرهنگ ایران ارتباط دارد و از طرف دیگر در آیین مهری رابطه گاو و مهر (خورشید) قولی است که جملگی برآنند. بنابراین خورشید مظهر خداوند و شیر نشانه قدرت و اقتدار و هر دو به نوعی به شاهان مربوط

بوده اند. یکی از آیینهای ساسانیان آن بوده که در جشن مهرگان پادشاه تاجی بر سر می گذاشته که صورت آفتاب بر آن بوده و پادشاهان هخامنشی بر بالای درگاه خود نقش آفتاب را نصب کرده اند. اما چطور شد که این دو در کنار هم قرار گرفت، بعضی معتقد هستند که شاید یک پادشاه طالعش برج اسد بوده و او صورت طالع خود را بر سکه ها نگاشته است اما حقیقت این است که میان برج اسد و آفتاب رابطه ای علمی و نجومی برقرار است، بدین ترتیب که در عرف منجمین، برج اسد خانه آفتاب (خورشید) است، زیرا هر کدام از بروج دوازدهگانه یک یا دو خانه مخصوص دارند. (همان، ص ۱۸۵)

نظریه دیگر آنست که غیاث الدین کیخسرو پسر علاء الدین کیقباد از پادشاهان سلجوقی آسیای صغیر دختر پادشاه گرجستان را به زنی گرفت و خواست نقش او را بر روی سکه بیاورد و چون با مخالفت اطرافیان روبرو شد به پیشنهاد برخی از اطرافیان او، قرار بر آن شد تا رخساره او را که همچون خورشید است بر روی سکه نگاشتند و چنانچه مورد سؤال مخالفین قرار گیرد، بگویند که رویه «طالع» و زایچه، پادشاه است. که هنگام زاییده شدن او خورشید در برج اسد (شیر) می بوده و همین کار را کردند. (کسروی، ۱۳۵۲، صص ۱۰۶-۱۰۱)

بر روی سکه های فلوس دوره صفویه ما نقش خورشید را که تمام سطح یکطرف سکه را می پوشاند و یا نقش شیر خورشید را با هم داریم تنها از شاه اسمعیل اول سکه مسین با نقش شیر خورشید دیده نشده در زمان شاه طهماسب گویا به سبب آنکه طالع

پادشاه را شیر و خورشید نمی شناخته اند خورشید بر روی بره نشانده اند زیرا زایچه
(طالع) شاه طهماسب را در تاریخهای برج حمل (بره) بوده و به علت آنکه زایچه شاه
اسمعیل عقرب بوده، خورشید شرا روی عقرب نگذاشته اند اما دیگر شاهان این سلسله
پایبند آن نبوده اند و شاه عباس با آنکه زایچه او سنبله بوده لیکن فلوسهائی از او با نقش
شیر و خورشید دیده شده است (تصویر ۵-۱۱). ملا قدرتی شاعر دوران صفویان دربار
نقش شیر بر روی سکه شعری چنین گفته است:

چو شیر است نقش فلوس این زمان زبیمش گریزند پیر و جوان

۳-۴-۳- نقش طاووس

نقش طاووس بر روی فلوسهای دوره صفوی بسیار دیده می شود، این پرند با آنکه
از جهت زیبایی در میان پرندگان معروف است، لیکن او را فال بد می گیرند و شاید به
این سبب باشد که او را مسبب دخول ابلیس به بهشت به هنگام فریفتن آدم و حوا دانسته
اند. فرقه یزیدیه برای طاووس برخلاف بیشتر ادیان مقامی والا قائل هستند و آن را واسطه
آفریدگار در آفرینش جهان می دانند و خصوصیتی به او نسبت می دهند که با ویژگیهای
شیطان مطابقت دارد. نقش طاووس بر روی آثار قبل از اسلام دیده نشده است و از
نقوش است که بعد از اسلام مشاهده می شود. (یا حقی، ۱۳۶۹، صص ۲۹۳ و ۲۹۴)

۴-۳- نقش ماهی

نقش ماهی از هزاره چهارم پ.م بر مهرها نقش بسته است. بر روی مهر استوانه‌ای که از شوش بدست آمده نقش زیبایی مشاهده می شود که با ساحلی انبوه از درختان در رودخانه ها در پی یکدیگر شنا می کنند. و بر اثر مهر دیگری صیادان را برهنه در برگشت از صید نشان می دهد که ماهی ها را از قایق بیرون می آورند، و یکی از آنان ماهی بزرگ را با دو دست حمل می کند و فردی دیگر ظرفی را که ماهی درون آن است بر روی سرنگه داشت است در زمینه مهر طرح یک ماهی که مظهر صید می باشد دیده می شود. (بیانی، ۱۳۵۲، ص ۶۰)

نقش ماهی در ادوار بعد نیز بر روی آثار سفالی و مفرغی دیده می شود، ادامه آن بر روی فلوس های دوره صفویان مشاهده می شود و این بار، با اعتقادات جدید، در اندیشه اسلامی نقش ماهی به نحو موثری حضور دارند. ماهی در عربی (نون، حوت، سمک) است. بعضی از مفسرین قرآن معتقدند که مراد از «ن» «نون» که در آغاز سوره قلم بدان سوگند یاد شده ماهی است که جهان بر پشت اوست و او در آن قرار دارد. زیر ماهی گاوی است و زیر گاو صخره و زیر صخره ثری وزیر ثری کس نداند چیست. نام آن گاو یهموث است.

در یکی از فلوس های دوره صفویه ما به روشنی این اندیشه را می بینیم. این فلوس ضرب اردبیل است که نقش گاو را که بر روی ماهی ایستاده نشان می دهد.

بنابر آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ سوره صافات یونس را ماهی فرو بلعید و چون خدای را تسبیح گفت ماهی او را به ساحل افکند، و اگر خدای را تسبیح نمی گفت تا روز واپسین در آنجا می ماند. سعدی در اشعار خود اشاره ای دارد.

قرص خورشید در سیاهی شد یونس اندر دهان ما می شد

صوفیان عارف کامل را به مناسبت اینکه در بحر معرفت مستغرق است «ماهی» و غیر عارف کامل را به لفظ «جزماهی» یاد کرده اند.

دوازدهمین ماه و یکی از بروج آسمان نیز به نام حوت یا سمکه «ماهی» نامیده شده در ادبیات فارسی نیز به همین نام مطرح است.
جرم خورشید چو از حوت در آید به جمل

اشهب روز کند ادهم شب را ارجل

بنابراین نقش روی سکه های فلوس بر پشتوانه سرشاری از اندیشه و ادراک معنوی تکیه دارد و درک ابعاد هنری و غنای فرهنگی آن وابسته به اسرار و رموز گوناگونی است که ریشه آن در اعتقادات فرهنگی و هنری و مذهبی می باشد.

ویژگیهای سکه های صفویان

در آغاز آنچه مهم است، اینکه سکه در محلی به نام ضربخانه با تشکیلات اداری منظم که در راس آن معیرالممالک قرار داشت و دارای مشاغلی بود که شامل ضرب باشی و صراف باشی و استادان دستگاههای ضرب سکه قرار داشتند.

در اثر تحولات اقتصادی که در این دوران ایجاد شد، نیاز به ضرب سکه های جدیدی با اضعاف تازه ای مشاهده می شود. سکه اشرفی و عباسی طلا و سکه های عباسی، بیستی، شاهی، محمدی و صاحبقرانی نقره به ضرب رسید.

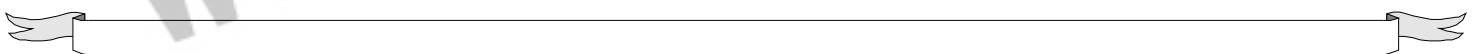
از جهت نگارش روی سکه، در سکه های اولیه این دوران خط نسخ بکار رفته و در سکه های بعدی از شیوه نگارش خط نستعلیق پیروی شده است.

عبارات روی سکه در آغاز این دوران، القاب خانوادگی صفویان مانند الکامل الحسینی، ابوالمظفر، الصفوی، الوالی الهادی که با اعتقادات مذهبی آنان ارتباط داشت و سپس در اواسط عباراتی که بندگی آنان را به حضرت علی (ع) نشان می داد، مانند "کلب آستان علی"، "غلام علی ابن ابی طالب"، "بنده شاه ولایت"، "غلام شاه دین". استفاده از شعار شیعه لاله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله و نام ائمه (ع) که معمولاً در یک طرف سکه نقش می شده است.

عبارات منظوم به زبان فارسی برای اولین بار بر روی سکه های صفویان استفاده می شود. ذکر محل ضرب و تاریخ بر روی سکه که روشنگر محدوده جغرافیایی و تاریخ ضرب می باشد، مورد استفاده بوده است.

تزیین روی سکه ابتدا با نام ائمه (ع) شروع می شود. هنرمند با تکرار حرف «ع» نام حضرت علی (ع) گلی زیبا را می سازد و یا سطح روی سکه را با نقوش هندسی تقسیم بندی می کند و در آن نام ائمه (ع) را نقر می نماید. به تدریج نقش گلهای اسلیمی سطح دوطرف سکه را می پوشانند.

نقش حیوانات و خورشید بر روی سکه های مسی که از اعتقاد به بروج دوازده گانه سرچشمه گرفته است یکی دیگر از ویژگیهای سکه های این دوران می باشد.



نتیجه و پیشنهادات

حکومت صفویه از سال ۹۰۵ ه.ق با پادشاهی شاه اسمعیل اول بر پایه معنوی که توسط شیخ صفی الدین اردبیلی ایجاد گردیده بود، آغاز شد. وی مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام نمود و جنگهای پی در پی با دشمنان سنی مذهب در شرق و غرب ایران نمود. به منظور ایجاد تمرکز قدرت مطلقه و از بین بردن ملوک الطوائفی حکومت مرکزی بوجود آورد که شاه در راس آن قرار داشت. پس از رسیدن به سلطنت، به منظور اشاعه آرمانهای خویش و اعتقادات مذهبی دستور داد تا شعار شیعه «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله» را به نشان مذهب شیعه و به منظور احترام به خاندان ائمه (ع) نام دوازده امام و القاب: والی، غازی و الحسینی را بر روی سکه ها نقر نمایند. در متصرفات جدیدی هم که بدست آورد به همان نحو سکه ضرب نمودند حتی در کشورهای سنی مذهب شعار شیعه را بر روی سکه ضرب نمودند. جانشینان شاه اسمعیل اول طریقه وی را دنبال کردند و هر یک نوآوری در شعارهای روی سکه ها بوجود آوردند اما همه در مدح و احترام به خاندان امامت بود. مانند شاه عباس اول که عبارت «کلب آستان علی» و «کلب علی عباس» و یا در زمان شاهان بعدی عبارت «بنده شاه ولایت» را بکار برده اند.

استفاده از شعائر مذهبی بر روی سکه تا پایان دوره صفویه ادامه دارد و بکارگیری اینگونه عبارات و شعائر مذهبی نشان دهنده تاثیر و نقش مذهب شیعه در دوران صفوی و انعکاس آن بر سکه می باشد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق که شناخت مذهب از روی شعار روی سکه های این دوران باشد، به اثبات می رسد.

در پی جنگهای متعدد با همسایگان غربی و شرقی شاهان صفویه به متصرفات جدیدی دست یافتند. از غرب تا بغداد، ماردین و از شرق تا قندهار و در شمال نواحی در بند و باکو، شماخی، ایروان، تفلیس جزء قلمرو آنان در آمد که به منظور تثبیت قدرت سیاسی و نظامی خود در این مناطق به ضرب سکه اقدام کردند. با بررسی بر روی نام ضربخانه روی سکه ها می توان به وضعیت سیاسی آن دوره دست یافت. نواحی مانند اردوباد، دربند، ماردین، قندهار، بغداد را می توان در محدوده جغرافیایی و سیاسی صفویان یافت و شاهان با قدرت پس از تسخیر به نام خود و با القاب و شعائر خود در آنجا سکه ضرب نموده اند.

پاره ای از وقایع تاریخی را تنها می توان از وراء مطالعه و بررسی بر روی سکه ها اثبات نمود و با تنظیم فهرستی از ضربخانه های صفویان که تهیه شده است به مراکز قدرت سیاسی و نظامی آنها دست یافت و دست بدست شدن برخی شهرها که زمانی در دست دولت صفوی و زمانی در دست دولت عثمانی است، تنها با بررسی محل ضرب

سکه قابل رویت است از جمله تبریز که سکه ضرب هر دو دوره از آنجا بدست آمده و معرفی شده. بنابراین به استناد محل ضربخانه و نام سلاطین می توان به اثبات فرضیه دوم تحقیق که شناخت مسائل سیاسی از وراء مطالعه سکه را به اثبات رساند.

در دوره صفویه با توجه به امنیت نسبی که بوجود آمد، در اقتصاد کشور چه از لحاظ کشاورزی و چه زندگی شهری و تجارت و بازرگانی پیشرفت مشخصی مشهود است.

تولیدات کالایی به میزان قابل ملاحظه ای اشاعه یافت و روابط کالا- پولی و بازرگانی و بخصوص بازرگانی خارجی توسعه پیدا کرد و شهرها که مرکز تجارت و تولیدات

صنعتی بوده اند، اهمیتی بیش از پیش کسب نمودند و بازار داخلی بسط یافت. در این دوره پول نقش واسطه را ایفا می کند و تولید کنندگان، محصول کار خود را با کالای

دیگر مبادله نمی کنند، بلکه بیشتر با پول تعویض می کنند. تبریز در این دوران مرکز و ملتقای راههای ترانزیتی اروپا و آسیا و محل تحویل و انتقال کالاها و مرکز صنایع ابریشم

بافی و پشم بافی و ریسمان بافی و تیماج سازی و اسلحه سازی بود. ایجاد قشون جدید که مستقیماً به شاه متکی بود و مساله نگاهداری آنان را از لحاظ مالی مطرح نمود.

شرکتهای بازرگانی مانند هند شرقی و هلند و انگلیس و فرانسه و پرتغالیها در مرکز و بنادر خلیج فارس به بازرگانی مشغول بودند و یکی از کالاهای عمده ابریشم بود که به

اروپا فرستاده می شد و یک خاصیت مهم سیاست داخلی شاه عباس کوشش در استواری

اقتصاد ایران با استفاده از امکانات سرزمینهای اشغالی بود. همچنین با اعزام سفیر به کشورهای خارجی به بستن پیمانهای سیاسی و تجاری اقدام نمود و به خارجیان اجازه داد تا در کشور تجارتخانه بر پا کنند. کار عمده دیگر شاه عباس کوچاندن ارمنیان جلفای ارس به اصفهان می باشد که هدفش رونق بخشیدن تجارت ابریشم در داخل ایران بود و باین ترتیب جاده ابریشم را از اصفهان و بندرعباس گذراند. با توجه به رونق اقتصادی که بوجود آمد، ضرب مسکوکات دارای تنوع بیشتری می شود. زیرا نیاز به مسکوکات جدید احساس می شد. بدین جهت با ضرب سکه های جدید شاهی، محمدی، بیستی، عباسی و صاحبقرانی به رونق اقتصادی کمک نمودند و وضع مالی براساس معین و ثابتی استوار گردید و یکی از ارکان مهم مالی کشور ضرابخانه بود که تحت نظر معیرالممالک اداره می شد و عزل و نصب حکاکان و زرکشان و ضراب باشی و ضابطان و صنعتگران و کارکنان باوی بود. همچنین به علت اهمیت ضرابخانه در حکومت صفوی معیرالممالک جزء افراد مقرب الخاقان شاه می باشد که در هر شرایطی اجازه حضور دارد و به این ترتیب فرضیه سوم که بررسی شرایط اقتصادی از وراء سکه می باشد، به اثبات می رسد. بررسی نقوش و خطوط و شعائر بکار رفته بر روی سکه های صفویه حاوی اطلاعات بسیار سودمندی در زمینه آداب و رسوم و فولکور و خط و زبان و هنر و هنرمندان این دوره می باشد. هنر این دوران را در سایه بینش سنتی نسبت به هستی و جهان به معنای

اعم کلمه می توان شناخت. تشیع در میان صفویان دارای آنچنان ارزش و مقامی بود که توانست علاوه بر متحد ساختن اقوام ایرانی در هنر نیز ریشه یابد و کلام الهی و نقوش اسلیمی را هنرمند با هنر قدسی بر روی سکه متجلی سازد. در آغاز تزئین روی سکه را با نام ائمه (ع) آغاز کردند و سپس هنرمند با تغییراتی که در فرم حروف بوجود می آورد از تکرار حرف "ع" نام حضرت علی (ع) گلی زیبا را در مرکز سکه پدید می آورد و یا با ادامه حرف "ی" قاب بندی در سطح سکه پدید می آورد، سپس این تلاش را ادامه می دهد تا آنکه می تواند گلهای اسلیمی را در سطح سکه پیاده نماید. و در میان پیچ و تابهای آن القاب و عناوین زیبا را جای دهد و شاعر زمان به کمک او آید و شعری را به زبان دیوانعلی عصر صفوی که فارسی است هدیه می کند و هنرمند خطاط با قلم زیبای خویش به خط نستعلیق آنرا نقر نماید و صحنه زیبایی از هنرهای دوران صفویه را در سطح کوچک سکه می آفریند.

در بررسی انجام شده در این رساله روشن شد که هنرمندان از حمایت شاهانی که بعضی چون شاه اسمعیل و شاه طهماسب و شاه عباس دستی در هنر داشته اند، برخوردار بوده اند. شاه عباس به اعزام نقاشان به اروپا همت می گمارد و نقاشان خارجی را که به ایران می آیند به حضور می پذیرد. ارزش هنر و هنرمندان در عصر صفوی آنقدر

است که پس از اقامت یکساله در ایران موقع مراجعت عده ای از هنرمندان را با خود به هندوستان می برد که این مساله باعث نفوذ هنری ایران در عثمانی و هند است.

همچنین در بررسی که بر روی مسکوکات مسی (فلوس) این دوران از جهت هنری و آداب و رسوم انجام شد، این نتیجه گرفته می شود که سابقه نقوش بکار رفته ریشه در تطور تاریخی دارد. اشکال گوناگون مانند گاو، طاووس، انسان، شیر و خورشید و ماهی از دوران پیش از تاریخ در آثار ایرانی مشاهده شده است و در هر دوره به منظور تفهیم مطلبی و بیان اعتقادی از باورهای مردم به تصویر در آمده اند. در دوره صفویه در قالبی

نوین شاهد ظهور آنها بر روی سکه های مسی هستیم. نقوش روی سکه های مسی (فلوس) از اعتقاد به بروج دوازده گانه منشا گرفته است. زیرا با توجه به ارتباطی که بین نام بروج و نقش روی سکه های مسی مشاهده می شود و اینکه هر ساله این سکه ها جمع آوری می گردید و در سال بعد مجدداً با نقش جدیدی به ضرب می رسیدند، همچنین توجه فراوانی که به نجوم داشتند و شخصی به نام "منجم باشی" که مقرب

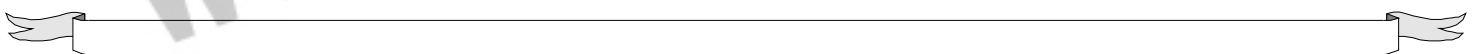
الخاقان دربار بود و وظیفه داشت تا نیک و بد ساعات را جهت انجام امور تشخیص دهد و هر سال تقویم جدید را بنویسد بنابراین نتیجه می گیریم که نقوش سکه های مسی از اعتقادات و باورهای مردم به تصویر در می آیند و هنر و هنرمندان دارای ارزش بسیاری بوده اند و پیشرفت رشته های مختلف هنری از تذهیب و خط و ادبیات و نقاشی و

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

موقعیت اجتماعی هنر و هنرمندان و همچنین مشاغل هنری مختلف را می توان از وراء

سکه مورد مطالعه قرار داد بنابراین فرضیه چهارم که بررسی وضعیت اجتماعی از وراء

مطالعات سکه شناسی صفویه است به اثبات می رسد.



جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: sadegh
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/22/2012 12:25:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/22/2012 12:25:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 41
Number of Words: 6,021 (approx.)
Number of Characters: 34,321 (approx.)